

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ادامه بحث ملائکه:

بحث پیرامون ملائکه (فرشتگان) به اینجا رسید که آنچه از ظواهر قرآن و روایات می‌فهمیم، این است که فرشتگان رفت و آمد و حرکت دارند، اجزا و اعضا دارند.

**آیا فرشتگان می‌توانند خطا کنند یا نه؟** روایاتی نقل شد و مورد استشهاد قرار گرفت و از آیات قرآن هم استفاده شد که فرشتگان هم امکان خطا کردن دارند.

آن روایتی که جبرئیل مکدر بود و **پیغمبر گرامی** (ص) فرمودند: <sup>۱</sup> که چرا امروز بشاش و خوشرویی؟ تا امروز تو را اینگونه ندیده بودم. جبرئیل آن جریان لجن زدن در دهان فرعون را بیان کرد و گفت: امروز که مأمور شدم کلمات خودم را برای شما به عنوان وحی نازل کنم، فهمیدم که این کار من مورد رضای خدا بوده است. معنای این حرف چیست؟ معنای این حرف این است که من ترس این را داشتم که مبادا خطایی کرده باشم و خدا برای من عقوبت و عذابی در نظر گرفته باشد.

آن روایتی که درباره فطرس ملک است؛ گفتیم هم در زیارت **سیدالشهداء** (ع) آمده است. سیدبن طاووس نیز در کتابش زیارت را نقل کرده است (ایشان از حدیث‌شناسان بنام بوده است؛ کسی نبوده که هر حدیثی را نقل کند). و هم اینکه در حدیث رضوی آمده است و هم در حدیث دیگری غیر از آن آمده است. بنابراین ما نمی‌توانیم بگوییم که این روایت اشکال دارد؛ چون با مبنای ما هماهنگ نیست پس باید رد کنیم.

در سوره بقره فرشتگان سؤال می‌کنند؛ سؤالشان هم جنبه انکار دارد. «...» <sup>۲</sup>

شما به ظاهر این سؤال نگاه کنید چه می‌فهمید؟ آیا واقعاً آنها خلقت آدم را تأیید می‌کنند یا انتقاد می‌کنند؟ دارند درخواست می‌کنند که خدایا! این کار را نکن. (من کار به این حدیث ندارم که امام می‌فرمایند: <sup>۳</sup> این حسد، حسد غفلت بود و این‌ها داشتند حسودی می‌کردند و نمی‌دانستند). نفس همین عبارت معنایش چیست؟ اگر کسی بخواهد کاری کند من به او بگویم: تو داری این کار را می‌کنی در حالی که نمی‌دانی این نتیجه‌ی ناخوشایند هم دارد. معنایش چیست؟ معنایش این است که تو از چیزی غافل‌تری که من به آن چیز توجه دارم. غیر از این است؟! این خطا نیست؟! اینگونه در مقابل ذات حق که علام‌الغیوب است حرف زدن، این خطا نیست؟! اصلاً معنای اعتراض چیست؟ معنای اعتراض به یک فعل این است که فعل شما بر وفق حکمت نیست. و الا کسی نمی‌آید بگوید: من به فعل حکیمانه و عادلانه معترضم. هیچ عاقلی این کار را نمی‌کند. معنای نفس است که کار شما اشکال دارد؛ آیا کار خدا اشکال دارد؟! به این عبارت « نگاه کنید. این خیلی پیام دارد. ما فقط با همین عبارت می‌توانستیم مبنای خودمان را نسبت به موجودیت فرشتگان اصلاح کنیم و اصلاً سرنخ ماهیت و این که فرشتگان چه وجودی دارند از همین چند کلمه به دست می‌آید. «...»

را در زمین بگذاری که فساد می‌کند و خون می‌ریزد؟! معنایش این است که این کار نکن! این کار درستی نیست. چون نتیجه‌ی بدی که افساد و خونریزی است را در بر دارد. اینگونه حرف زدن در مقابل ذات اقدس الهی نشان می‌دهد که معرفت فرشتگان یک حدی دارد. جالب است که علامه طباطبایی در تفسیر سوره حمد نکته‌ای را فرمودند. می‌گویند: الحمدالله (به جز سوره حمد<sup>۴</sup> که خدا به همه امت اسلام منت گذاشته و این کلمه را در دهانشان گذاشته که بگویند)، این کلمه را نقل نکرده مگر از زبان انسان‌های کامل. انسان کامل به انسانی می‌گویند که به حدی از کمال رسیده که تسلیم محض خدا شده و هیچ اعتراضی به خدا ندارد. هر جا از زبان انسان‌های کامل نباشد و یا از زبان کسانی که به کمال آنگونه که باید، نرسیده‌اند، صادر شده باشد، حمد را با تسبیح همراه کرده است. چرا با تسبیح؟ به خاطر اینکه حمد ما، حمد ناقص است و حمد ناقص باید با تنزیه همراه باشد.

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۷

۲- بقره آیه ۳۰

۳- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۵

۴- تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۳۲

یعنی بگوییم: خدایا! ستایش از آن تو. تو منزهی از اوهام ما، از وصف ما، از شوائبی که در معرفت ماست. که ما خدا را دقیق نمی‌شناسیم. بنابراین ستایش انسان نسبت به کسی که کامل نمی‌شناسد، ستایش ناقصی است. اگر به شما بگویند در مورد شخصیت محی‌الدین عربی صحبت کنید، و شما محی‌الدین را نمی‌شناسید، در مورد او چه می‌خواهید بگویید؟! بهترین کار این است که بگویید: من شنیدم شخصیت بزرگی است؛ من ایشان را نمی‌شناسم. ایشان بالاتر از این حرفهایی است که من می‌زنم. بهترین حرف این است. اگر کسی خدا را کامل نشناخت، یا حداقل حق توحید را نشناخت، بهتر است که حمدش را با تسبیح همراه کند. لذا قرآن می‌فرماید: فقط کسانی که به کمال بالا و عالی رسیده‌اند، خدا از زبان آنها حمد خالص را بیان کرده است. مثلاً در مورد بهشتیان می‌فرماید: «...»؛ آنها می‌گویند: حمد و ستایش مخصوص خداوندی

است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد. اینجا تسبیح نمی‌آورد. در مورد حضرت سلیمان و داوود<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «

«<sup>۱</sup>؛ و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم

دادیم؛ و آنان گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید. اسم تسبیح نمی‌آورد.

در مورد پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: «...»؛ تو هم بگو الحمدالله! اما در مورد مرتبه‌های پایین‌تر همه جا تسبیح را همراه

کرده است. «...»؛ و هر موجودی، تسبیح و حمد او می‌گوید. تسبیح را مقدم هم داشته است.

فرشتگان هم می‌گویند: «...»؛ ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس

می‌کنیم. این نشان می‌دهد کمالاتشان مرتبه دارد. «...»؛ و هیچ یک از ما نیست جز آنکه مقام معلومی

دارد. مقام فرشتگان بر حسب معرفت آنهاست. از این آیات سوره بقره خیلی چیزها معلوم می‌شود. معلوم می‌شود که فرشتگان

اینجا حداقل جا داشت بگویند: خدایا! تو علم مطلق، تو حکمت مطلق، نقصی در کار تو نیست. ما نمی‌دانیم چرا آدم را خلق

کردی ولی ما می‌دانیم هر کاری تو می‌کنی درست است. نمی‌توانستند اینگونه بگویند؟! «...»

«...»، این اعتراض حاکی از جهل صرف نیست. بعضی‌ها جهل دارند ولی اینقدر متوجه هستند که با تعبد می‌توان

جهل را جبران کرد. من به پزشک می‌گویم: آقای پزشک من نمی‌دانم این داروهایی که نوشتید برای چه نوشتید؟ اما ایمان دارم

که شما متخصص هستید و دارویی بی‌حکمت نمی‌نویسید. حالا اگر من جهل به دارو دارم، این را که می‌توانم بگویم. این که دیگر

ربطی به شناخت دارو ندارد. این برمی‌گردد به معرفت نفسی خودم به آن پزشک و اعتماد من به آن پزشک. وقتی فرشتگان می-

گویند: «...»، یعنی نوعی اعتراض. اعتراض یعنی اینکه در کار شما نقص وجود

دارد. خدا چه جواب می‌دهد؟ «...»؛ خدا می‌فرماید: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

یکی از عزیزان نوشته‌اند که این حدیث و شعر مولوی بیانگر این است که فرشتگان عقل دارند و شهوت ندارند، بنابراین

نمی‌توانند گناه انجام دهند؛ یعنی جایی برای گناه باقی نمی‌ماند. لطفاً بیشتر توضیح دهید. «ان الله ركب في الملائكة عقلاً بلا

شهوة و ركب في البهائم شهوة بلا عقل و ركب في بني آدم كلتيهما»؛ خداوند فرشتگان را آفرید، عقل در آنها قرار داد بدون

۱- زمر آیه ۷۴

۲- نمل آیه ۱۵

۳- نمل آیه ۵۹- اسراء آیه ۱۱۱

۴- اسراء آیه ۴۴

۵- بقره آیه ۳۰

۶- صافات آیه ۱۶۴

۷- بقره آیه ۳۰

۸- بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۹۹

شهوت. بهائیم را آفرید شهوت قرار داد بدون عقل و بنی آدم را آفرید در آنها عقل و شهوت را با هم قرار داد. ظاهراً مولوی اقتباس کرده از همین حدیث یا احادیث مشابه و نتیجه این شده است که در نتیجه فرشته نمی تواند گناه کند. جواب این است که اگر عامل گناه فقط شهوت و غرائز بودند این حرف درست بود. اما بحث این است که عامل گناه فقط شهوت و غرائز نیستند. غرائز آن جاذبه‌ها و کشش‌هایی هستند که برای حفظ بدن انسان و یا نسل انسان مورد نیاز هستند. مثلاً اگر انسان غریزه غضب نداشت نمی توانست از خودش دفاع کند. اگر غریزه حب ذات نداشت در مقابل خطر فرار نمی کرد و به خطر تسلیم می شد. اگر غریزه حب فرزند نداشت از بچه اش دفاع نمی کرد؛ بچه اش را رها می کرد و می رفت. سایر غرائز هم به همین ترتیب. این که در انسان و حیوانات غرائز وجود دارد به خاطر این است که نسل شان حفظ شود. اگر این غرائز نبود نسل شان حفظ نمی شد. اما کشش دیگری است به نام طبایع. مثل بخل، مثل حرص، مثل کفران نعمت، مثل حسد. این‌ها برای بقاء نسل نیستند. این‌ها غیر از غرائز هستند. این حدیث بیان می کند که انسان نیازمند غرائز است، درست هم هست. انسان وقتی مُرد و از این کالبد مادی جدا شد، به هیچکدام از غرائز نیاز ندارد. همان طور که فرشتگان نیازی ندارند. اما حسد و خطاهای معرفتی، ربطی به غریزه ندارد. این ربط به معرفت و میزان معرفت دارد. اینکه عده‌ای از فرشتگان (همه‌شان نه) قطعاً فرشتگان مقرب اعتراض نکردند؛ چون قرآن متعرض نشده است که تعدادشان چقدر بوده است. عده‌ای به خدا می گویند: «...»

«...» این نشان می دهد این کمال معرفتی که در بعضی از اولیا است این عده نداشتند. پس خطای فرشتگان از سنخ افراط در غرائز نیست بلکه از ناحیه‌ی معرفتی است.

### تأییرات و قدرت ملائکه:

۱- استغفار برای مؤمنان: (که در قرآن هم آمده است) این چه خاصیتی دارد؟ ما در روایات بسیاری داریم که اگر می خواهید دعایتان مستجاب شود، اول چهل مؤمن را دعا کنید، بعد برای خودتان دعا کنید، دعایتان مستجاب خواهد شد.<sup>۱</sup> شاید ده روایت یا بیشتر داشته باشیم که ویژگی چهل مؤمن را متذکر شده است. این که فرشتگان برای مؤمنان به نص قرآن استغفار می کنند: «...»<sup>۲</sup>؛ فرشتگانی که حاملان

عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند. می گویند: «...»<sup>۳</sup>؛ پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که

به آنها وعده فرموده‌ای وارد کن، «...»<sup>۴</sup>؛ و آنان را از بدیها نگاه دار. این‌ها دعاست. استغفار برای مؤمنان و دعای

برای مؤمنان باعث کمال خود فرشتگان است. از این آیات هم استشمام می شود که فرشتگان با دعا کردن برای مؤمنان به خدا تقرب پیدا می کنند. جالب است که هیچ جای قرآن نیامده است که فرشتگان برای خودشان دعا می کنند. همه جای قرآن این است که برای مؤمنان دعا می کنند، استغفار می کنند، درود به مؤمنان می فرستند. «...»<sup>۵</sup>

«...»<sup>۶</sup>؛ خدا و فرشتگان بر شما مؤمنان درود می فرستند تا از ظلمت‌ها به سوی نور

بیرونتان ببرند و خدا بر مؤمنان مهربان است. «...»<sup>۷</sup>؛ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد. نفع این خودشان است.

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۹

۲- غافر آیه ۷

۳- غافر آیه ۸

۴- غافر آیه ۹

۵- احزاب آیه ۴۳

۶- احزاب آیه ۵۶

۲- نگارش اعمال: اعمال ما را می‌نویسند. قرآن می‌فرماید: «

«! انسان هیچ سخنی را بر

زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است.»

«! هر نفسی که می‌آید در قیامت یک سوق دهنده‌ای دارد و یک گواهی همراه اوست. پیامبر (ص) فرمودند: آن دو

فرشته‌ای که در دنیا اعمال را می‌نوشتند روز قیامت می‌آیند و همراه فرد می‌شوند. اگر گناهکار است نامه اعمالش را می‌اندازند به گردنش (البته اگر گناهکار است در متن روایت نیست از قرائن فهمیده می‌شود. چون نامه اعمال مؤمن را به گردنش نمی‌اندازند). این هم پاسخ آن سؤالی که فرموده بودند: آیا هر روز فرشته‌ها عوض می‌شوند یا نه؟ از این روایت معلوم می‌شود که عوض نمی‌شوند. از اول تا آخر فرشته ثابت است. ولی نمی‌توان در پاسخ سؤال به ظاهر یک روایت اکتفا کرد.

۳- حفظ از مهالک و بلايا: قرآن اشاره‌ای دارد به فرشتگان محافظ. یکی روایت مربوط به قرائت آیه‌الکرسی است که می‌فرماید: هر کس یک بار آیه‌الکرسی را بخواند خداوند یک فرشته برای حفظ او می‌گمارد. اگر دو بار بخواند، دو فرشته می‌گمارد؛ سه بار، سه فرشته؛ تا پنج بار که شد، می‌فرماید: خودم محافظ او هستم. این روایت ثابت می‌کند که انسان فرشتگان محافظی دارد برای حفظ از بلايا. یک سری روایات ثابت می‌کند که همه انسان‌ها تا اجل معلق یا تا اجل قطعی محافظی دارند که آنها را از همه خطرات حفظ کند. یک روایت از نهج‌البلاغه است که حضرت فرمودند: خداوند دو فرشته گذاشته است برای حفظ آدم. که از جمیع بلايا او را حفظ می‌کند. هنگامی که اجلش رسید، «خَلِّيَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اجَلِهِ»<sup>۳</sup>؛ بین او و اجل رهایش می‌کند، دیگر او را محافظت نمی‌کنند و اجل می‌آید او را می‌گیرد. و بعد فرمودند: «وَ اِنَّ الْاَجَلَ جَنَّةٌ حَصِيْنَةٌ»؛ اجل سپر محکم است. یعنی تا زمانی که اجل نرسیده بلا و مصیبتی هم نمی‌تواند به انسان وارد شود.

در سوره رعد می‌فرماید: «

«...! نگاهبانانی از پس و پیش او را از امر

خدا حفظ می‌کنند. که بعضی از مفسران ترجمه کردند به حفظ از مهالک و آجال (اجل‌ها).

ملائکه محافظ چند دسته هستند: ۱- محافظ اعمال. ۲- محافظ نفس. چند دلیل داریم. در سوره انعام می‌فرماید: «

«! او بر بندگان خود تسلط

کامل دارد و مراقبانی بر شما می‌گمارد تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ (در این موقع) فرستادگان ما جان او را می‌گیرند و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان)، کوتاهی نمی‌کنند. این آیه نشان می‌دهد که این حفظ (که بصورت جمع هم آورده و تعداد را هم مشخص نکرده است) برای همه انسان‌هاست. چون سوره انعام که این آیه در آن آمده است در مکه نازل شده است و بیشترین خطاب به مشرکان هم در این سوره است؛ بنابراین همه‌ی انسان‌ها مخاطبند. این معادل می‌شود با همان روایت نهج‌البلاغه که حضرت فرمودند: برای هر انسانی دو فرشته است که او را حفظ می‌کنند تا زمان اجلش. مسلمان و کافر هم ندارد. اجل که آمد (نفرموده اجل حتمی یا معلق) بین او و اجل را رها می‌کنند و می‌روند. اما اگر اجل نرسیده او را از خطرات حفظ می‌کنند، نمی‌گذارند خطر به او آسیبی برساند. این آیه با این روایت همخوانی دارد. اما روایت مربوط به قرائت آیه‌الکرسی به نظر می‌رسد چیزی اضافه بر اجل است. مثلاً شما خواب بدی می‌بینید، می‌گویید صدقه بدهید و یا دعایی بخوانید. شما می‌گویید: حالا برای رفع بلا صبح می‌خواهیم از خانه بیرون برویم، آیه‌الکرسی می‌خوانیم. چه بسا که قرار بود اجل شما برسد و اگر می‌رسید آن دو فرشته رها می‌کردند و می‌رفتند اما این آیه‌الکرسی یک محافظ اضافه‌ای می‌آورد. آنها که رفتند، این‌ها هستند که شما را حفظ کنند. و الا خواندن آیه‌الکرسی هیچ سودی نداشت. اگر غیر از این باشد خواندن آن چه فایده دارد؟! زیرا

۱- ق آیه ۱۸

۲- ق آیه ۲۱

۳- کلمات قصار، شماره ۲۰۱

۴- رعد آیه ۱۱

۵- انعام آیه ۶۱

در غیر این فرض اگر ما نخوانیم هم، که فرشته محافظ داریم؛ بخوانیم و فرشته محافظ اضافه‌ای نیاید هم که فایده‌ای ندارد، معلوم می‌شود این که روایت می‌فرماید محافظی مازاد بر این است که وجود دارد. منافاتی هم با این ندارد. اما با آمدن اجل حتمی دیگر نمی‌شود کاری کرد. پس یک عده‌ای از فرشتگان محافظ نفس انسان از آفات هستند. جالب است که آخر آیه اشاره به این دارد. «...»

فرستادگان ما جان او را می‌گیرند؛ یعنی دیگر آن ملائکه محافظ کاری از عهده‌شان بر نمی‌آید. آن حدیث ترجمان همین آیه است. ۳- محافظ مؤمنان از خطاها. یعنی مؤمنان را در ایمانشان تثبیت می‌کنند. این فقط مخصوص مؤمنان است. یکی فرشتگانی که اعمال را می‌نویسند. یکی فرشتگان همگانی که همه را از خطر حفظ می‌کنند. یکی فرشتگان حافظ نفس، مخصوص آنها که دعا کردند و صدقه دادند و مثلاً آیه‌الکرسی خوانده و ذکر خدا گفتند و مستحق حفظ شدند. یکی هم فرشتگانی که مؤمنان را از خطاها حفظ می‌کنند و تثبیتشان می‌کنند.

۴- ثبات قدم و ایمان: قرآن کریم به پیغمبر می‌فرماید: «اگر و اگر ما تو

را ثابت قدم نمی‌ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: از اول طفولیت پیغمبر خدا، خدا بزرگترین فرشته را مأمور کرد برای تربیت او. شب و روز همراهش بود. این محافظها، محافظهای مخصوص افراد خاص هستند. »

«...»<sup>۲</sup>؛ خدا به فرشتگان وحی می‌کند که من با شما هستم. مؤمنان را ثابت‌قدم کنید. این فرشتگان کارشان تثبیت اقدام

مؤمنین و ایمان مؤمنین است. »<sup>۳</sup>؛ و به مؤمنان بشارت ده که برای آنها،

سابقه نیک (و پادشاهای مسلم) نزد پروردگارشان است. ظاهراً مراد آیه این است که تا بخواهند بلغزند ما نمی‌گذاریم؛ دستشان را می‌گیریم، مادام که مؤمن باشند. »

«...»<sup>۴</sup>؛ به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند

\*

یگانه است. سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است \* ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم. فکر نکنید این کلمات را گوش ما نمی‌فهمد. این گوش نمی‌فهمد اما به قلب‌ها می‌کند. آنها قدرت دارند این کلمات را به قلب شما خطور بدهند، بدون اینکه گوش شما بشنود و الا گفتن آنها لغو و بی‌فایده می‌شد. مثل اینکه شیطان قدرت دارد و سوسه فکر باطل را در انسان ایجاد کند؛ فرشته هم قدرت دارد فکر و اندیشه خوب را در ذهن شما وارد کند. این بشارت دادن فرشتگان واقعاً هست. نتیجه این چه می‌شود؟ نتیجه‌اش ثبات قدم می‌شود. یکی از شئون فرشتگان این است. یک روایت هم اینجا است که می‌فرماید: «...وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظُ كَانِ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ»<sup>۵</sup>؛ هر کس خودش به خودش پند دهد؛ در نفس خودش یک واعظی داشته باشد. (من وقتی یک خطایی کردم یک تشری هم به خودم بزنم. بنشینم با خودم فکر کنم؛ کارهای خودم را بررسی کنم. وقتی دیدم اشتباه کردم، خودم، خودم را نصیحت کنم. اگر آدم به این مقام رسید)، خداوند یک حافظی برای او قرار می‌دهد که ایمانش را محافظت کند. این حافظ، حافظ نفس نیست؛ حافظ ایمان است. در مورد مؤمن آل‌فرعون می‌فرماید: »

۱- اسراء آیه ۷۴

۲- انفال آیه ۱۲

۳- یونس آیه ۲

۴- فصلت آیات ۳۰ و ۳۱

۵- نهج‌البلاغه مرحوم دشتی، کلمات قصار، شماره ۸۹

«؛ خداوند او (مؤمن آل فرعون) را از نقشه‌های سوء آنها ننگه داشت، و عذاب شدید بر

آل فرعون وارد شد. امام صادق (ع) فرمودند: «وَ اللَّهُ لَقَدْ قَطَّعَهُ اِرْبًا اِرْبًا وَلَكِنْ وَقَاهُ اللَّهُ اَنْ يَفْتَنُوهُ فِي دِينِهِ»؛<sup>۲</sup> به خدا سوگند! تکه‌تکه‌اش کردند. گفتند: چطور قرآن فرموده خدا حفظش کرد. امام فرمودند: خدا دینش را حفظ کرد. چطور می‌شود زیر میخ‌های آهنین و اره برنده‌ای که بدن را ببرند، انسان دینش حفظ شود و احد احد بگوید تا بمیرد؟! خوب، کار فرشتگان است. چه بسا آنها قدرت‌هایی داشته باشند که بتوانند درد را کم کنند. مقاومت شما را بالا ببرند. بتوانید جلوی ناملایمات صبر کنید. دلائل زیادی داریم که این عده از فرشتگان کارشان این است که مؤمنان را ثابت قدم کرده، ثبات قدم به مؤمنان بدهند.

۵- هلاکت اقوام سرکش: مثل قوم ثمود، قوم لوط.

۶- قدرت تمثیل: همانطور که شیاطین می‌توانند به شکل‌هایی تمثیل کنند؛ فرشتگان هم می‌توانند تمثیل کنند. یعنی به شکلی شده، برای ما ظاهر شوند. این نیست که فقط امامان و پیغمبران، فرشتگان را ببینند. مادون آنها هم می‌توانند. دلائل و روایت هم داریم. حضرت مریم (س)، محدثه بود با فرشتگان هم‌سخن بود.<sup>۳</sup> پس آنها قدرت تمثیل دارند. بعضی از بدان هم فرشتگان را می‌بینند. قوم لوط فرشتگان را دیدند. در جنگ بدر یکی از خود مشرکان نقل می‌کند رؤیت فرشتگان را که عده‌ای از آسمان آمدند و کفار را قلع و قمع کردند. غباری انگیختند و میدان جنگ پر از لاشه‌های کفار شد بعد دوباره صعود کردند. خدا می‌خواهد گاهی وقت‌ها چشم را باز کند نشان بدهد. همانطور که به قوم لوط فرشتگان را نشان داد. منتها نشان دادن اینجا برای فتنه است نه اکرام. دیدن فرشتگان همیشه برای اکرام نیست. کما اینکه قوم لوط فرشتگان را دیدند.

۷- برای نصرت مؤمنان: برای یاری مؤمنان که به نص قرآن خداوند در جنگ بدر سه هزار فرشته برای یاری مؤمنان فرود آورد.<sup>۴</sup> یکی از کارهای فرشتگان دعا برای مؤمنان است. «

کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگاه‌دار. ...»

«...؛ و برای مردم زمین استغفار می‌کنند. حتی اینجا عمومی‌اش کرده است. برای همه استغفار می‌کنند. «

«...»<sup>۵</sup>؛ و امثال این آیات که نشان می‌دهد یکی از شئون فرشتگان دعا برای ماست و واقعاً دعای فرشتگان

نبود چه بسیار بلاها که ما را می‌گرفت و خیلی از بلاها که از ما دفع می‌شود به خاطر دعای فرشتگان خداست.

۸- شفاعت: فرشتگان قدرت شفاعت دارند. خداوند می‌فرماید: «

«؛ و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی‌بخشد مگر پس از آنکه خدا

برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد. یعنی بعد از اذن خدا شفاعتشان مؤثر است. در این آیه مطلق آمده است نفرموده در آخرت یا در دنیا. ظاهر آیه مربوط به زمان حال است. سخن از آخرت نیست. معلوم می‌شود که شفاعت فرشتگان هم برای رفع گرفتاری اخروی مؤثر است و هم برای رفع گرفتاری دنیوی؛ چون آیه مطلق آورده است. فرشتگان هم می‌توانند شفاعت کنند. در روایات اهل سنت من دیدم. من در روایات شیعه هنوز موفق نشدم پیدا کنم که فرشتگان، حضرت یونس (ع) را شفاعت کردند و خدا به خاطر شفاعت آنها یونس (ع) را بخشید. البته قرآن می‌فرماید به خاطر این بود که تسبیح

۱- غافر آیه ۴۵

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۲ (پیشین)

۳- بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۶

۴- آل عمران آیه ۱۲۴

۵- غافر آیه ۷

۶- شوری آیه ۵

۷- احزاب آیه ۴۳

۸- نجم آیه ۲۶

می‌گفت. شاید این طوری تسبیح گفتنش باعث نجاتش شد که صدای تسبیحش به گوش فرشتگان رسید؛ فرشتگان گفتند: خدایا! این کیست که در دل دریا تسبیح می‌گوید؟ خطاب شد: این یونس بنده من است. گفتند: آنجا چه می‌کند؟ خطاب شد: او را حبس کرده‌ام. بعد آنها او را شفاعت کردند، خدا هم نجاتش داد. قرآن می‌فرماید: اگر از مسبحان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند.

### آیا شیاطین و فرشتگان متقابلاً می‌توانند بعضی از علوم را به ما الهام کنند؟

الان هم در دنیا کسانی هستند که می‌روند از شیاطین یک سری چیزها را یاد می‌گیرند. شما دیدید که بعضی از این طلسمات و تسخیرات و سحرها که وجود دارد انصافاً عقل بشر به این‌ها نمی‌رسد. یعنی ما نمی‌فهمیدیم که این حروف را که اینگونه ردیف کنی این اثر را دارد. خوب از یک علم ماوراء بشری حکایت دارد که معمولاً این را از اجنه می‌گرفتند. آری قرآن آیاتی دارد که شاهد بر این معنا است که فرشتگان می‌توانند بعضی از علوم را و همچنین اجنه و حتی شیاطین می‌توانند بعضی از علوم را به انسان‌ها یاد دهند. اینها به انسان‌های بد یاد دهند و آنها به انسان‌های خوب یاد دهند. ظاهراً حیطة قدرشان هم متفاوت است. آیه ۱۰۲ سوره بقره می‌فرماید: «

شیاطین بر فرمانروایی سلیمان می‌خواندند پیروی کردند. در روایت آمده است<sup>۱</sup> که ابلیس کتاب سحر و جادویی را گذاشت زیر کرسی سلیمان، بعد که سلیمان از دنیا رفت، آمد آن را بیرون آورد و گفت: مردم! ببینید این با سحر اینگونه بر شما حکومت می‌کرد؛ وحی و پیغمبری و اینها خبری نبوده است. و شروع کرد ایمان مردم را تخریب کردن. بنی اسرائیل هم شروع کردند این سحرها را یاد گرفتن و به همدیگر یاد دادن و بازار سحر و ساحری داغ شد. پس معلوم می‌شود شیاطین می‌توانند یک سری چیزها را به مردم یاد دهند. در روایات هم داریم می‌خواستند ابراهیم<sup>(ع)</sup> را در آتش بیندازند فکر کردند که چه کنند؛ شیطان منجیق را به آنها یاد داد. اره دو سر را شیطان برای کشتن زکریا<sup>(ع)</sup> به بنی اسرائیل یاد داد. دنباله آیه می‌فرماید: «...»

«...»؛ خدا برای مقابله با فتنه

شیاطین و دفاع از ایمان مردم و مؤمنان دو فرشته به شکل بشر فرستاد. کثیری از مفسرین گفتند: <sup>۲</sup>هاروت و ماروت فرشتگانی بودند که در سرزمین بابل در میان بنی اسرائیل تمثل کرده بودند به شکل انسان و اینها به مردم سحر یاد می‌دادند. قصدشان هم این بود که مؤمنان دانش سحر را یاد بگیرند و بتوانند مقابله کنند و بگویند اینها سحر است و اعجاز نیست. پس معلوم می‌شود که هم فرشتگان می‌توانند یک سری چیزها را یاد مردم بدهند و هم اجنه و شیاطین.

### ۹- الهام کردن علوم و معارف حقه به دل‌های پاک مؤمنان: در مورد «

«...»؛ سوگند به آنان که ذکر الهی را القاء می‌کنند، یک تفسیرش این است. الهام کردن علوم و معارف حقه به دل‌های پاک مؤمنان. این کار فرشتگان است. یکی از کارهای فرشتگان همین است. حالا می‌آییم در علوم دنیایی. آیا علوم دنیایی هم می‌توانند؟ شاید. یک وقت فردی، به حساب عامی بودنش، می‌گفت: این علوم و صنعت را اجنه و شیاطین، به آنها یاد دادند. البته این طور نیست. زحمت کشیده شده است. ولی بعضی از این علوم مضر است که برای ریشه‌کن کردن بشریت است چه بسا از القاء شیطان و آموزش شیطان باشد. بعید نیست! شیطان این قدرت‌ها را دارد. و همین طور بعضی از آن کارهایی که مؤمنان می‌کنند، الهاماتی که مؤمنان دریافت می‌کنند، حالا یا به علوم مادی و یا علوم معنوی می‌رسند؛ اینها الهامات فرشتگان باشد. یک سر نخ‌هایی در قرآن است که این شدنی است و امکان دارد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۰۵

۲- بقره آیه ۱۰۲

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۴۷

۴- مراسلات آیه ۵

۱۰- پرداختن به امور عالم به اذن خدا: یعنی فرشتگان تدبیر عالم می‌کنند، منتها نه تدبیر استقلالی، تدبیری به اذن خدا. «؛ و آنها که امور را تدبیر می‌کنند. مثل میراندن، مثل عذاب اقوام، تثبیت مؤمنان، ارباب کفار و امثال این‌ها. این امور عالم را این‌ها تدبیر می‌کنند.

۱۱- قدرت تأثیر بر عالم ماده: در مورد شیاطین و اجنه گفتیم که درست است که وجودشان لطیف است و با ماده تراحم و تصادم ندارد اما از راه دیگری قدرت حرکت دادن ماده را دارند. قدرت نقل و انتقال مواد را دارند. دلیل آن چیست؟ گفتیم ساختن قصر برای سلیمان. غواصی کردن برای حضرت سلیمان. بالاخره این مواد باید جابه جا شود. قرآن هم می‌فرماید که کار شیاطین و اجنه بوده است. «؛ بنایی می‌کردند و غواصی هم می‌کردند. بنایی و غواصی ور رفتن

با ماده است. باید این مواد را جابه‌جا کنند. بنابراین اجنه می‌توانند، فرشتگان هم می‌توانند. آنجایی که جبرئیل خاک پاشید به صورت قوم لوط، این تأثیر بر عالم ماده است. ویران کردن شهر قوم لوط، شهر سدوم، تأثیر بر عالم ماده است. حضور در جنگ‌ها و شکستن هیمنه کفار، تأثیر بر عالم ماده است. منتها نه از راه تصادم جسم با عالم ماده، از راه دیگر. یکی دیگر از دلائلی که ما داریم آوردن تابوت سکینه است که قرآن می‌فرماید: «

...»<sup>۲</sup>؛ از نشانه‌های حقانیت پادشاهی تالوت این است که تابوت سکینه را برای شما احضار می‌کند. «...»

...»<sup>۴</sup>؛ این تابوت را فرشتگان می‌آورند. که قصه‌اش را می‌دانید. اما لقه بیت‌المقدس تابوت را گرفته و و آن را در بتکده برده بودند. بعد بت‌هایشان می‌شکست تابوت را آوردند بیرون و بستند به یک گاو، فرشتگان الهی هم آمدند هدایتش کردند و آوردندش طرف بنی‌اسرائیل. دوباره تابوت به آنها برگشت و پیروزی‌هایشان شروع شد. از امام باقر<sup>(ع)</sup> روایت شده که چند فرشته بصورت بظاهر گاو این تابوت را حمل کردند و به سوی بنی‌اسرائیل آوردند.<sup>۵</sup>

۱۲- میراندن خلایق: یکی از شئون ملائکه، فرشتگانی که تحت فرماندهی عزرائیل هستند، میراندن خلق است. چند فرشته مقرب هستند؛ جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل. هر کدام از این‌ها یک گروهی از فرشتگان را تحت امر دارند. به خاطر اینکه در قرآن در مورد جبرئیل می‌فرماید: «؛ که این (قرآن)، کلام فرستاده بزرگواری است [= جبرئیل امین].

اکثر مفسران، من جمله علامه، گفتند مراد جبرئیل است. این قرآن گفتار جبرئیل است. «؛ در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است. جبرئیل مطاع است. مطاع یعنی کسی که از او اطاعت می‌شود. چه کسی از جبرئیل اطاعت می‌کند؟ معلوم است گروه‌هایی از فرشتگان هستند که زیر نظر جبرئیل‌اند و از فرماندهی او اطاعت‌پذیری دارند. بنابراین فرشتگان مقرب در رأس فرشتگانند. چون در بعضی از آیات می‌فرماید: «...»

آورده است. در یک آیه هم ملک‌الموت را ذکر کرده است. اما آیاتی مثل: «...»<sup>۸</sup>؛ همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند. بارها این سبک و سیاق در قرآن تکرار شده است. معلوم است که فرشتگان مرگ همگی تحت فرماندهی عزرائیل هستند. حالا هر کسی بستگی دارد چه کسی را به سراغش بفرستند. چه جور آدمی باشد. خود ملک‌الموت

۱- نازعات آیه ۵

۲- ص آیه ۳۷

۳- بقره آیه ۲۴۸

۴- همان

۵- اصول کافی (پیشین)، ج ۸، ص ۳۱۷

۶- تکویر آیه ۱۹

۷- تکویر آیه ۲۱

۸- نحل آیه ۲۸

برای قبض روح آدم‌های خیلی بد و خیلی خوب می‌رود. متوسط‌ها را فرشتگان می‌آیند. این جباران ستمگر گردنکش خیلی بد را خود ملک‌الموت می‌آید. مؤمنان خیلی خوب را هم خود ملک‌الموت می‌آید. چون شما شنیده‌اید که پیغمبر (ص) را خود عزرائیل آمد؛ اجازه گرفت؛ حضرت نوح (ع) را خود عزرائیل آمد؛ حضرت موسی (ع) را روایت است که خود عزرائیل آمد. ظاهراً مقابلش هم درست است؛ می‌شود از روایات این را برداشت کرد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از جمله شئون فرشتگان میراندن خلایق است. قرآن می‌فرماید: «

«؛ بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی‌گردانند. در

آیات دیگری می‌فرماید: «...»<sup>۱</sup>؛ همانها که فرشتگان (مرگ)

روحشان را می‌گیرند در حالیکه پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنها می‌گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید. در آیات دیگری است که خدا می‌میراند. این آیات با هم هیچ تعارضی ندارند؛ چون میراندن به اذن و قدرت الهی است و قدرت فرشتگان را هم خدا به آنها می‌دهد. پس میراندن فرشتگان، میراندن خداست. اینکه بعضی آیات عزرائیل و بعضی آیات فرشتگان را فرشته‌ی مرگ نامیده‌اند، این است که این فرشتگان زیر نظر عزرائیل کار می‌کنند و هیچ تعارضی با هم ندارد.

در مورد مطاع بودن جبرئیل قبلاً گفته شد. البته این که قرآن می‌فرماید: «؛ جبرئیل مطاع (مورد اطاعت) است

بعضی گفته‌اند:<sup>۲</sup> مراد رسول خداست؛ چون آیه صراحتی ندارد که مراد جبرئیل است. ولی ظاهر آیات این است که می‌فرماید:

«» «» «». خصوصاً آنجایی که می‌فرماید: «؛ او را در افق و مبین

مشاهده کرد. معلوم می‌شود که این رسول امین که خداوند از او تعریف کرده، جبرئیل است (پنج تعریف از او فرموده که عبارتست از: ذی قوه، مکین، مطاع، امین و کریم) و معلوم می‌شود که جبرئیل فرشته مقرب، فرماندهی هم دارد.

فرشتگان مذکر و مؤنث ندارند. غرایز ندارند. شهوت ندارند. همچنین فرزند و ذریه ندارند. یکی از تفاوت‌های بنیادی فرشتگان با اجنه این است که اجنه تبادل و تناسل و ذریه دارند؛ مثل انسانها هستند و یک غرایز مخصوص دنیای مجرد نسبی خودشان دارند. اما فرشتگان هیچ کدام از اینها را ندارند؛ نه مذکر دارند و نه مؤنث. این نیست که زن و مرد داشته باشند و اینکه متأسفانه بعضی از نقاشان فرشتگان را به شکل زن نقاشی می‌کنند این جسارت است (البته بعضی از نقاشان انسانهای متدینی هستند ولی خبر ندارند که قرآن مذمت کرده است از کسانی که فرشتگان را زن می‌دانند). نه اینکه زن، بد است یا مرد، بد است، بلکه به علت اینکه می‌گویند فرشتگان هم مؤنث و مذکر دارند. البته اعراب جاهلیت دختر را به زعم باطل خود ننگ می‌دانستند و چون می‌خواستند خدا و توحید را تحقیر کنند، می‌گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند. قرآن می‌فرماید: «

«؛ آنهایی که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را دختران می‌نامند. در جای دیگر

می‌فرماید: «؛ آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! قرآن در آیات زیادی،

از این تفکر مذمت کرده است. بنابراین فرشتگان زن و مرد ندارند، کما اینکه اگر کسی می‌گفت فرشتگان مردند، باز هم خداوند آنها را توبیخ می‌کرد. اما اجنه مذکر و مؤنث دارند.

۱- سجده آیه ۱۱

۲- نحل آیه ۳۲

۳- بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۴۸

۴- تکویر آیه ۲۳

۵- نجم آیه ۲۷

۶- صافات آیه ۱۵۰

## حشر و پاداش فرشتگان:

اگر پذیرفته شود که فرشتگان در بعضی از مراتب خودشان امکان قصور و خطا دارند (که روایات و دلایل آن گفته شد در مورد حضرت جبرئیل و فطرس در مورد سایر فرشتگان بود که اگر کسی احتمال لغزش داشته باشد، کمال پذیری و عبادت داشته باشد طبیعتاً باید پاداش و حشر و حسابرسی داشته باشد. پذیرش امتحان، پذیرش امکان خطا و لغزش، پذیرش کمال‌پذیری بر اثر عبادت نتیجه‌اش این است که فردای محشر زنده شود و آثار عبادتش را دریافت کند، نتایج اطاعت و قصور اعمالش را ببیند و بگیرد.

## آیا فرشتگان حشر و نشر دارند؟

فرشتگان محشور می‌شوند. دلایلی داشتیم که فرشتگان می‌میرند که اولاً دلیل قرآنی آن گفته شد: «...»

«...»<sup>۱</sup>؛ همه اهل آسمان و زمین می‌میرند. روایاتی هم که تفسیر می‌کنند، می‌گویند: وقتی در نفخه صور دمیده شد، حتی فرشتگان هم می‌میرند. بعد خدا به اسرافیل که دمنده صور است می‌گوید: «مت»<sup>۲</sup>؛ بمیر. پس فرشتگان هم مرگ دارند. ولی می‌بینیم در عرصه قیامت فرشتگان حاضرند، مگر اینها نمرده بودند؟! لازمه‌اش این است که دوباره زنده شوند. در سوره نباء در مورد قیامت می‌فرماید: «...»<sup>۳</sup>؛ روزی که

روح و ملائکه در یک صف می‌ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی‌گویند، و (آنگاه که می‌گویند) درست می‌گویند. چه زمانی این اتفاق می‌افتد؟ «...»<sup>۴</sup>؛ این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه

را از قبل با دستهای خود فرستاده می‌بیند. از این آیه معلوم می‌شود که فرشتگان در صحنه‌ی محشر حاضرند و بدون اذن خدا حرفی نمی‌زنند. آیات دیگری هم گفته شد که آخرین آیه سوره زمر وقتی که بهشتیان به طرف بهشت و جهنمیان به طرف جهنم می‌روند. قرآن می‌فرماید: «...»<sup>۵</sup>؛ (در آن روز) فرشتگان را

می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و با ستایش پروردگارش تسبیح می‌گویند. معلوم می‌شود فرشتگان بعد از قیامت هستند.

## پاداش و حساب فرشتگان چیست؟

اولاً فرشتگان یکسری از علل گناه را ندارند و آن عبارتست از غرایزی که لازمه‌ی حیات دنیوی است. این غرایز گاهی منحرف می‌شوند و باعث گناه می‌شوند. مثلاً انسان می‌داند که بچه‌اش قاتل است و حکمش اعدام است، ولی چون او را دوست دارد، علیه او شهادت نمی‌دهد و کتمان شهادت می‌کند تا از مرگ نجات پیدا کند. پس غریزه باعث گناه شد. درحالیکه وظیفه‌ی انسان در اینجا این است که شهادت دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «...»

«...»<sup>۶</sup>؛ ای مؤمنان! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود

شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد. ولی انسان شهادت نداد؛ چون فرزندش را دوست دارد. پس غریزه‌ی حب فرزند، باعث خطا شد. فرشتگان این غرایز را ندارند. یکی دیگر از عواملی که باعث می‌شود فرشتگان گناه عمدی نکنند. این است که فرشتگان دوزخ و عالم غیب و قهر الهی را می‌بینند، مثل اینکه یک لیوان شربتی جلوی فردی باشد و او خیلی شربت را دوست

۱- زمر آیه ۶۸

۲- بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۲۴

۳- نبأ آیه ۳۸

۴- نبأ آیه ۴۰

۵- زمر آیه ۷۵

۶- نساء آیه ۱۲۵

داشته باشد و شخصی کلت جلوی او بگیرد و بگوید: اگر بخوری تو را می‌کشم. این مثالی بود که حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> می‌زدند (ایشان شمشیر و گردن زدن را مثال می‌زدند).

فرشتگان عالم غیب را می‌بینند، بنابراین موضوع گناه منتفی است. اما خطاهایی که ناشی از قصور معرفت باشد وجود ندارد. مثال همانجایی که فرشتگان در خلقت انسان اعتراض کردند: «...»

معرفت بود و بیشتر به دستشان نمی‌رسید. به همین علت به فرشتگان خرده نگرفت و خدا فرمود حالا خبرتان می‌کنم. پس فرشتگان گناه و خطای عمدی نمی‌کنند. پاداش و مقامهای آنها اقتضای عدل الهی است. بعد از اینکه محشور شدند مناسب با انقیاد و عبادت و کمالات پاداش داده می‌شوند و لذت فرشتگان در عبادت خداست. آنها لذت می‌برند. قرآن می‌فرماید که فرشتگان تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند و ملال نمی‌آورند بلکه از عبادت لذت می‌برند، مثل عاشقی که با معشوق و محبوب خود حرف می‌زند و دوست دارد دائم با معشوق حرف جدیدی بزند تا او نرود. دسته‌ای دیگر هم لذتشان عذاب کردن اهل جهنم است. قرآن می‌فرماید: «...؛ نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند. «...»

«...»<sup>۲</sup>؛ این عده را قرار ندادیم مگر فتنه برای کافران؛ یعنی همه انگیزه‌ی آنها، عذاب کردن کفار است. دلشان رحم نمی‌آید، به هر طرف که می‌روند، گرز می‌زنند توی سر کفار. «...»

«...»<sup>۳</sup>؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند. طینت این دسته از فرشتگان بگونه‌ای قرار داده شده که از عذاب دادن بدکاران کمال لذت را می‌برند. خدا چیزهای عجیبی دارد، یعنی برای ما باور کردنی نیست که چگونه فرشته انسان را عذاب دهد. مثال مرغ آتش‌خوار را شنیدید زغال آتشی را می‌بلعد و داخل امعاء و احشاء مرغ می‌شود و هیچ آسیبی به او نمی‌رسند، بلکه لذت هم می‌برد. نمونه دیگر اینکه محققان می‌گویند در سیاره ناهید که اولین سیاره نزدیک به خورشید است و بیش از ۱۵۰۰ درجه سانتیگراد حرارت دارد، موجودات تک سلولی یافت شدند؛ یعنی در جایی که آهن ذوب می‌شود، موجود زنده وجود دارد!!

کار یک دسته از فرشتگان، وساطت بین بهشتیان و خداست. مثال: روایتی داریم که می‌فرماید: اولین لحظه‌ای که مؤمن وارد بهشت می‌شود، فرشته‌ای می‌آید و پیام خاص خدا را به مؤمن می‌رساند. این پیام سه مطلب دارد: ۱- می‌گوید: درود خدا بر تو باد. ۲- تو جاودانه‌ای همانطور که خدا جاودانه است، مرگی نداری. ۳- هر چه اراده کنی آن تحقق می‌یابد. این سه پیام را می‌آورد.

گروهی از فرشتگان از هر در بر مؤمنان وارد می‌شوند و می‌گویند درود بر شما چه خوب جایی است خانه آخرت: «...»

«...»<sup>۴</sup>. این هم دلیل بر اینکه فرشتگان بعد از قیامت زنده می‌شوند. چون می‌گوید: در بهشت به مؤمنان تهنیت می‌گویند و صمیمیت و حشر و نشر با مؤمنان دارند. نشست و برخاست با آنها و زندگی در کنار فرشتگان لذتی است برای مؤمنان و فرشتگان. بنابراین آنها هم بالنسبه به موجودیت خودشان پاداش و مقام دارند: «...؛ هر کدام از ما یک مقام مشخصی داریم.»

۱- مدثر آیه ۳۰

۲- مدثر آیه ۳۱

۳- تحریم آیه ۶

۴- رعد آیات ۲۳ و ۲۴

۵- صافات آیه ۱۶۴

عبادت فرشتگان برای آنها کمال می‌آورد. اما اینکه لذتهای فرشتگان در آخرت چگونه است را در همین حد می‌توانیم از قرآن بفهمیم. اولاً از این نکات معلوم می‌شود که برای حساب محشور می‌شوند. پادشاهای متفاوت دارند؛ چون نوع انقیادها و مأموریت‌ها متفاوت و امتحان هر کدام در شأن خودشان است و شئون اخروی هم بر همین اساس معلوم می‌شود. یعنی چه شأنی بعد از قیامت و آخرت برای آنها در آنجا معلوم می‌شود.

یک دلیل دیگری هم بر بحثهای سابق مدنظر باشد که دلیل است بر اینکه فرشتگان اعضا دارند (در مورد بال فرشتگان که توضیح هم ندادیم). می‌فرماید: «

... می‌فرماید: «...»<sup>۱</sup>؛ خداوند خلقت هر چه را که بخواهد می‌افزاید. از پیغمبر (ص) سؤال شد که «...»

... یعنی چه؟ پیغمبر (ص) می‌فرماید: «هُوَ أَلَوْجُهُ الْحَسَنِ وَالصَّوْتِ الْحَسَنِ وَالسَّعْرَ الْحَسَنَ»؛ یعنی چهره زیبا،

صوت زیبا و موی زیبا. با توجه به اینکه این آیه در مورد فرشتگان است، به نظر می‌رسد این ویژگیها حداقل می‌تواند برای فرشتگان باشد. یک دلیلی است البته دلیل پرفوتی نیست اما ظاهر این است که آنها هم صورت و موی و ... دارند. کما اینکه روایت می‌فرماید خرده‌های بال فرشتگان روی فرش من هست که می‌بینم. چندین روایت هم در این رابطه هست و قبلاً مورد اشاره واقع شد.

**سؤال:** آیا شیاطین می‌توانند ما را مریض کنند؟ شیاطین یک قدرتهایی دارند اما خداوند برای آنها مانع گذاشته است. شیطان بر حضرت ایوب مسلط شد، اما اینطور نبود که شیطان بر هر کس بخواهد مسلط شود یا اینکه همینطوری بر حضرت ایوب مسلط شده باشد. چون در روایت داریم که<sup>۲</sup> حضرت ایوب خیلی ذکر خدا می‌گفت و شکر می‌کرد. ابلیس گفت: خدایا این به این علت شکر می‌کند که اینقدر مال دارد. خداوند گفت: من تو را بر مال ایوب مسلط می‌کنم. شیطان مال ایوب را نابود کرد. پس می‌تواند مسلط شود، به شرط اینکه خدا مانع نشود. بعد خبر آوردند مزرع‌اش آتش گرفت و خانه‌اش نابود شد و گله‌اش را آب برد و همه اموالش از بین رفت. حضرت ایوب<sup>(ع)</sup> گفت: الحمدلله! باز ابلیس گفت: خدایا این آدم بی‌خیالی است، تنش که سالم باشد می‌گوید هر چه می‌خواهد بشود. خداوند گفت: تو را بر تنش مسلط می‌کنم. پس اگر خدا بخواهد شیطان می‌تواند مریض کند. خداوند محافظانی دارد و اینگونه نیست که شیطان هر جا بخواهد دخالت کند. دنیا حساب و کتاب و قانون دارد، مانند این دنیا که در سایه حکومت عدل هر کس که زور دارد نمی‌تواند به آدم ضعیف ظلم کند. قانون وجود دارد که مانع زورگویان، از انجام هر کاری که غیرقانونی باشد، می‌شود. پس یک قانون و حسابی وجود دارد. در مورد ساحران می‌فرماید: «...»

...؛ اینها می‌توانستند با سحر و جادو زن و شوهر

را از هم جدا کنند اما نمی‌توانستند به کسی ضرر برسانند مگر به اذن خدا. علامه می‌فرماید:<sup>۳</sup> اذن به معنای مانع نشدن است؛ یعنی خدا مانع آنها می‌شود. یعنی آنها می‌توانند آسیب برسانند اما خدا محافظانی از فرشتگان دارد که نمی‌گذارد. آنها همان محافظانی هستند که انسانها را از آسیب شیاطین و اجنه و... حفظ می‌کنند. فرشتگان بسیاری بر انسان موکلند؛ عده‌ای اعمال را می‌نگارند. عده‌ای از بلا یا حفظ می‌کنند و عده‌ای دیگر از آسیب شیاطین حفظ می‌کنند. خدا می‌داند چقدر در شبانه‌روز محافظ داریم. همین جو زمین، محافظ انسان است. روزی ۲۰ میلیون شهاب سنگ وارد جو زمین می‌شود که اگر یک روز جو زمین کار خود را انجام ندهد، این قدر شهاب سنگ به زمین بخورد که دیگر هیچ موجود زنده‌ای باقی نمی‌ماند. به طور مثال یک شهاب

۱- فاطر آیه ۱

۲- همان

۳- بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۵۵

۴- بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۲

۵- بقره آیه ۱۰۲

۶- ترجمه فارسی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۵۵

سنگ صد و چند سال پیش در روسیه به زمین خورد تا صد و هفتاد مایلی هر چه شیشه بود شکست. دیگر حیاتی نمی ماند. خدا این جو را محافظ قرار داده است. اجنه و شیاطین هم می توانند ضرر برسانند ولی خداوند محافظ گذاشته است. امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل می فرماید: «وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ»؛ خدایا چقدر بلاهای سنگین که تو مرا از آن ننگه داشتی. خود انسان نمی داند (جدای از این که گاهی وقتها اشیاء و حیوانات و حشرات را مأمور می کند که انسان را حفظ کنند. یکی از رزمندگان که حافظ قرآن است و هنوز هم روحیات زمان جنگ را دارد در منطقه دهلران می گفت دیشب در خط معجزه شد. ما در سنگر نشسته بودیم یکی از بچه ها آمد ما را صدا زد من آدمم بیرون و بعد نفر دوم هم آمد تا نفر هشتم. هشت نفر در سنگر بودیم و وقتی که نفر آخری آمد بیرون، سقف سنگر ریخت. رزمنده ای به دنبال کیبوتری که به در سنگر آمده بود می رفت که آن کیبوتر را بگیرد و بقیه هم به دنبال او یکی یکی می رفتند، به محض اینکه همه از سنگر بیرون آمدند، گلوله توپ به سنگر می خورد و منهدم می شود. پس گاهی اوقات حیوانات هم مأمور حفاظت هستند:»

زمین تنها از آن خداست). یک گروهی هم فرشتگان خدا هستند که مأمور حفاظت هستند.

### سؤالات:

#### ۱- آیا دو فرشته دو طرف می توانند بعد از مرگ فرشته فرد دیگری شوند؟

روایات متعدد است از بعضی روایات فهمیده می شود که همین دو فرشته ثابتند و از بعضی روایات فهمیده می شود که هر روز عوض می شود که آبروی طرف نرود و جمع روایات به کجا می رسد، جای بررسی دارد.

#### ۲- اینکه فرشته یا شیطان قادر به تأثیرگذاری روی انسان است آیا با اختیار انسان سازگار است؟

بله، ما زمینهی تأثیر را فراهم می کنیم. قرآن می فرماید: «

«؛ جنیان

و شیاطین بر مؤمنانی که به خدا توکل می کنند سیطره ندارند. همان بحث محافظین است. کسی که به خدا ایمان دارد و به او توکل داشته باشد، خدا برایش محافظ می گذارد. بنابراین با اختیار انسان سازگار است. انسان با گناهی فرشته را فراری می دهد. وقتی که فرشته فراری شد، شیطان بر انسان مسلط می شود. متأسفانه یکی از مشکلات جامعه امروز ما همین است. چندین روایت داریم وقتی که موسیقی نواخته می شود فرشته فرار می کند. «فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ...»<sup>۳</sup>؛ وقتیکه موسیقی می نوازی شیطان همراه تو پایکوبی می کند و فرشته فراری می شود. در نتیجه میدان برای حضور شیاطین، خالی می شود. به همین سبب است که امام می گوید: خانه ای که در آن غنا است، از فاجعه ایمن نیست، فاجعه چه وقت می آید؟ وقتی که شیطان ببیند حفاظت ندارد؛ مانند خانه ای که در و پیکر ندارد، دزد می زند و همچنین انسانی که با اعمال خودش محافظان خدا را فراری داد، زمینه را برای حضور شیطان مساعد می کند. قرآن می فرماید: «

».

#### ۳- آیا در نفخ صور اول معصومین هم می میرند؟

در قرآن داریم «

...»؛ در نفخه صور که دمیده

می شود همه می میرند، الا کسانی که خدا بخواهد. در اینکه اینها چه کسانی هستند، می توان به عنوان قاعده تحقیق کرد و در اینجا بعنوان احتمال می توانیم بگوییم که آنهایی که در رجعت اهل بیت زنده شدند دیگر در آن نفخه نمی میرند. ظاهراً و شاید (خدا می داند، این بحث جای تحقیق دارد). چون همه دو مرگ و دو زندگی دارند، یکی در دنیا و یکی در برزخ ولی بعضی مؤمنین دو مرگشان در دنیا است. روایت «ما من مومن الا و له میتة و قتله»<sup>۴</sup>؛ هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دو مرگ دارد: یکی

۱- فتح آیه ۷

۲- نحل آیه ۹۹

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸، نشر جامعه مدرسین - قم - ۱۴۱۳ق.

۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۱ - باب رجعت

کشته شدن در راه خدا و یکی مرگ طبیعی. این را روایات رجعت می‌گوید. آنهایی که قبل از رجعت در راه خدا شهید شدند، در رجعت اهل بیت می‌آیند و زندگی می‌کنند و به مرگ طبیعی می‌میرند و آنهایی که قبل از رجعت به مرگ طبیعی مُردند، زنده می‌شوند و در رکاب امام عصر (عج) می‌جنگند و شهید می‌شوند. پس آنها هر دو مرگشان را گذراندند و اگر بخواهند در برزخ هم بمیرند، سه مرگ می‌شود چون در قرآن می‌فرماید: «...»<sup>۱</sup>؛ آنها می‌گویند: پروردگارا! ما را

دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. (البته آن حرف گناهکاران است ولی ظاهراً قاعده‌مند است). لذا شاید در نفعی اول صورت این دسته برای بار سوم نمیرند.

۴- آیا فرشتگان هم می‌توانند در یک زمان در چند مکان باشند؟ بله امکان دارد و دلیلی بر استحاله‌ی آن نداریم.

۵- آیا به علم انسان بعد از مرگ افزوده می‌شود؟ بله. قرآن می‌فرماید: «...»<sup>۲</sup>؛ و ما

پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است. البته هر چه در این دنیا، معارف و حقایق دین یاد گرفتی آنجا چیزی اضافه نمی‌شود؛ آنچه مربوط به حواس است آنجا اضافه می‌شود، یعنی چشم انسان بی‌کرانه می‌بیند؛ بُرد گوش انسان زیاد می‌شود. مسائل مربوط به برزخ و قیامت و حقانیت انبیاء را همه می‌فهمند. اما معارف هر چه در این دنیا یاد گرفتی، هر چه سواد در این دنیا یاد گرفتی، آنجا چیزی اضافه نمی‌شود. یعنی اگر خداشناسی شما در دنیا ناقص بود، آنجا هم ناقص است. از کجا این موضوع فهمیده می‌شود؟ در سوره انعام می‌فرماید: «...»<sup>۳</sup>؛ می‌گویند: به خداوندی که پروردگار

ماست سوگند که ما مشرک نبودیم. جلوی خدا در روز قیامت به خود خدا قسم دروغ می‌خورند! مشرکان به خدا می‌گویند به خودت قسم ما مشرک نبودیم. این انسانی که در آخرت فهمیده که توحید راه درست بوده، نبوت پیامبر درست بوده، کتب آسمانی حق بوده، ملائکه حق بوده، قیامت حق بوده، بهشت و جهنم و ... همه چیز درست بوده با این حال به خدا می‌گوید: به خودت قسم ما مشرک نبودیم!! این نشان‌دهنده‌ی این است که معرفتش در عین این همه دانش (همانطور که در دنیا بوده است)، باقی مانده است. لذا اگر انسان مُرد، می‌فهمد که مقام پیغمبر اسلام چیست. حقانیت همه چیز را می‌فهمد. اما اینکه قرآن بلد نیست، قرار نیست یاد بگیرد و در روایت داریم مؤمنانی که در دنیا قرآن یاد نگرفتند در آخرت یادشان می‌دهند، کلاس برایشان می‌گذارند و یادشان می‌دهند که بحث آن قبلاً در مبحث حیات آخرت گذشت.

۶- فرشتگان دارای کالبد، اعضاء، حرکت، مکان و زمان و ... هستند آیا خواب و استراحت هم دارند؟ ظاهراً خیر، تمام وقت در خدمت اوامر پروردگارند. عبادت‌هایی هم که می‌کنند قرآن می‌گوید: ملال نمی‌آورند، خسته نمی‌شوند، ظاهراً خستگی برای بدن دنیایی است.

۷- روح کافران را که فرشتگان رها می‌کنند و سقوط می‌کند به کجا سقوط می‌کند؟ به جهنم یا جای دیگر؟

این رها شدن تعبیر است و مثل بالا و پایین انداختن مادی نیست. روح و نفس کالبد مثالی، جاذبه به آن اثر ندارد که بخواهد به زمین یا جای دیگر بخورد و تکه تکه شود. این یک تعبیر است. حالا چه غذایی، چه وحشتی است که وقتی فرشتگان آن روح را رها می‌کنند این وحشت بر نفس کافر مسلط می‌شود مانند کسی که از ساختمان صد طبقه سقوط کند چه به جانش می‌رسد تا به زمین برسد، این وحشتی که بر او غلبه می‌کند از مرگ و زمین خوردن، بیشتر است.

۸- جبرئیل از آغاز تا نزول آیه ۹۱ سوره یونس چهره‌اش درهم و ناراحت بود و بعد که این آیه نازل شد که خود حامل این آیه بود چهره‌اش بشاش شد که به خاطر دگرگونی این حالت پیامبر از او سؤال کردند و جبرئیل جواب دادند (قضیه فرعون)، در حالیکه در جای دیگر گفته شد که قرآن دو بار بر پیامبر نازل شده است آیا بار اول جبرئیل از آن خبر نداشته و آیا از آیه ۹۱ سوره یونس جبرئیل خبر نداشته است؟ توضیح دهید.

۱- غافر آیه ۱۱

۲- ق آیه ۲۲

۳- انعام آیه ۲۳

در اینکه جبرئیل قرآن را بر قلب پیامبر<sup>(ص)</sup> نازل کرده اختلاف است. علامه در یکی از تفاسیرشان می فرمایند: جبرئیل روح الامین را می آورد، حامل روح بود. روح، فرشته نیست. روح، وحی را القاء می کرد بر پیامبر<sup>(ص)</sup>. روح الامین، جبرئیل نیست. اگر هم نزول گاهی وقتها به جبرئیل نسبت داده شده به خاطر این بوده که او حامل روح بوده است. »

«...؛ خدا فرشتگان حامل روح را می فرستد سراغ بندگان. بنابراین ما حرف قطعی نداریم که بگوییم جبرئیل

خبر داشته، تازه نزول دفعی هم عنایت خدا بوده بر قلب پیامبر<sup>(ص)</sup> یکجا بوده که کسی نگفته واسطه اش جبرئیل بوده است. ۹- آیا شعور جدا از عقل است؟ عقل هم یک نوع شعور است منتها همینکه موجودی بداند که وجود دارد به این می گویند شعور. یک گربه هم می داند که هست اما یک کامپیوتر خودش از خودش مطلع نیست. از یک برنامه ای به آن دادند که به همان صورت پس می دهد. اما یک سلول می داند که هست و یک درخت می داند که هست. شعور یعنی این، منتها شعور مراتب دارد.

۱۰- در ترمهای قبل گفتید حیوانات هم عقل مختصری دارند پس چگونه است که خدا فرموده ما به حیوانات شهوت دادیم بدون عقل یا منظور شما از عقل در حیوانات، هوش است؟

به هر حال حرفهایی گفته شد بر اساس بعضی از شواهد و روایات. در مقابل آن داریم مثال روایت توحید مفضل از امام صادق<sup>(ع)</sup>، ظواهر بعضی از قسمت های آن می گوید که حیوانات عقل ندارند در مقابل دهها روایت داریم که می گوید حیوانات هم شعور دارند و ظاهر قضیه این است که می توان این روایاتی را که ناظرند به اینکه حیوانات فاقد عقلند حمل کرد بر آن روایات. یعنی جمع بین روایات متعارض.

۱۱- آیا دعا کردن ما برای ملائکه موثر است؟ در آینده جواب داده خواهد شد.

و صلّی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهیرین

## خلاصه مطالب:

ملائکه:

← ضرورت حسابرسی قیامت ← «... همان طور که انسانها هم جز به اذن خدا قدرت تکلم نخواهند داشت.

- استغفار و دعا برای مومنان از عبادت مطلوب ملائکه ← نافع برای خودشان (برای انسانهای مؤمن هم همین طور است)

## تأثیرات و قدرت ملائکه:

۱- نگارش اعمال:

« (انتظار آیه ۱۰) »

« (ق آیه ۱۷) »

- آمدن دو فرشته موکل در قیامت به سراغ هر فرد (روایت از پیامبر<sup>(ص)</sup>)

۲- حفظ از مهالک و بلايا:

- روایت مربوط به قرائت آیه الکرسی

- روایت نهج البلاغه ← دو ملک موکل ← حفظ تا اجل ← با آمدن اجل رها کردن فرد

«... (رعد آیه ۱۱) »

(ملائکه حفظ کننده از حوادث و مهالک)

«

۳- هلاک اقوام سرکش (ثمود و لوط)

۴- تمثیل (برای ابراهیم و لوط)

۵- نصرت

۶- دعا برای مؤمنان:

...» - «...» (غافر آیه ۷)

...» - «...» (شوری آیه ۵)

...» - «...» (احزاب آیه ۴۳)

#### ۷- شفاعت:

« ← به لحاظ اطلاق آیه این شفاعت

در دو جهان است ← شفاعت یونس توسط فرشتگان.

- تعلیم بعضی علوم غیر قابل دسترس عقل و تجربه (با قابل دسترس) ← آیه ۱۰۲ بقره (تعلیم توسط فرشتگان و شیاطین بصورت مثبت و منفی) ← ریشه بعضی علوم اجنه و ملائکه‌اند.

(ساخت منجیق واره دو سر توسط ابلیس) ← الهام علوم و معارف به مؤمنان

۸- پرداختن امور عالم به اذن الهی ← و المدبرات امر

۹- قدرت تاثیر بر عالم ماده:

- بدون آن تدبیر امور عالم غیر ممکن

- یاری مومنان در جنگ

- هدم قوم لوط و ثمود

- آوردن تابوت سکینه

۱۰- میراندن خلق (آیات فراوان):

مسئول اصلی ← عزرائیل «) ← فرشتگان تحت امر ← معلوم

می‌شود فرشتگان گروه گروه تحت فرماندهی فرشتگان مقربند ← «) «وصف جبرئیل (ظاهراً) ← اطاعت فرشتگان از جبرئیل.

۱۱- مذکر و مؤنث ندارند:

« ← «

« ← «

- در هیچ آیه و روایت نام از ذریه آنها برده نشده ← مذکر و مؤنث بر خلاف اجنه.

حشر ← پاداش

۱۲- لذت آنها در عبادت خدا ← «) «(زمر آیه ۷۵)

- لذت دیگر واسطه بین اهل بهشت و ذات حق (خوشامد گویی بهشتیان و حشر و نشر با آنها و ارسال سلام الهی به آنها...)

- لذت عده‌ای دیگر در عذاب کردن جهنمی‌ها

«) «(مدثر آیه ۳۰) (یعنی این گروه فتنه برای اهل دوزخ و کفار ← سرشان درد می‌کند برای اذیت ← لذت آنها در عذاب جهنمی‌هاست.

← محشور شدن برای حساب ← پاداشهای ملائکه متفاوت ← ... و نتیجه امتحان در شأن آنها ← شوون اخروی آنها بر همین اساس معلوم می‌شود.

۱۳- مقام‌های متفاوت: «) «(صافات آیه ۱۶۴)

۱۴- نزول فرشتگان برای ثبات قدم و ایمان و قلب:

« ←

✱

«...»

«...» ← همان طور که شیطان قدرت القاء وسوسه دارد ← فرشتگان

»-

قدرت الهام خیر و فکر خوب دارند

**ملائکه محافظ چند دسته‌اند:**

۱- محافظ اعمال: «(ق آیه ۱۸)»

۲- محافظ نفس: و هو الذی یتوفکم باللیل و یعلم...

و یرسل علیکم حفظه ...

← با توجه به دو نکته مراد حافظان نفس از مهالک است و همگانی است

الف: خطاب به همه انسانهاست

ب: قرینه آیه ← رسیدن هنگام مرگ (اجل)

روایت علوم: برای حفظ نفس هر کس دو فرشته است که او را حفظ می‌کنند ← هنگامیکه اجل رسید.

امکان جلب محافظان بیشتر با دعا و ذکر مثل قرائت آیه‌الکرسی

۳- محافظ مؤمنان از خطاها:

دلیل روایات بسیار مثل: «...وَمَنْ كَانَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ»

دلیل دیگر بر اعضاء داشتن ملائکه:

تفسیر روایی آیه: «...»

از رسول الله (ص): «هُوَ الْوَجْهَ الْحَسَنِ وَالصَّوْتِ الْحَسَنِ وَالشَّعْرَ الْحَسَنِ»

۱۵- فرشتگان بر شیطان غلبه کامل دارند.

۱۶- قدرت تمثیل (تمثیل برای قوم لوط و خود لوط و ...).

۱۷- قدرت تأثیرگذاری بر اشیاء:

چون مدبر و اداره کننده عالم ماده ← هلاکت اقوام و ویرانی شهرهای آنها از جمله آن است ← تدبیر به اذن الهی

التماس دعا